

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومه

جَلالِ التَّینِ

۱۳۱۱

طویران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

(روزنامه یومه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

سه شنبه ۲ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۲ دیمه ۲۹ جلالی و ۷ ژانویه ۱۹۰۸ میلادی

(شکایت دوستانه)

خدمت مدیر جریده جلال التین در شماره ۱۹۵ شیخ نوررا بهانه کرده بر عموم اهالی مازندران تاختید کاهی وطن مارا ماوی غولان و کاهی ظهور کوبک نحس طایفه ضاله را از شیراز پداینجار دید از واقعه الوندو قنه بایه نا ظهور قضیه جدیده قصه ها آغاز کردید و کناه همه را بر کن وطن بیکناه مادران مؤمنین مازندران انداختید ایدا بنده و دیگرانرا در مراتب مذکوره انکاری نیست اما دوسه گنه سخن و کله دوستانه عرض میکنم در جریده مقدسه در چ نموده نامشترکین عظام پدایند که بمعموم اهالی ایران یک نظر ملاحظه مینماید و بمقتضای مسلک قدیمی خود جز حق کوث و وطن خواهی منظوری ندارد اول آنکه از ظهور دوسه تن بدقتش شریر چه کنایه بران خاند پاک و ابائی ان ثابت میشود که همه مستحق ملامت کردند مگر میرزا علی محمد از قورس و قره لعین از قزوین و دیگران از جای دیگر پیدا نشدند آیا آیه (ولا تزوروا زوره و زور اخری) را فراموش کردید ماید؟ آیا کبریا در شرافت مکه معظمه که موطن ابو جهل و ابی سفیان و دیگر اشقیابود حرفی است دوم آنکه از مازندران فضلا نامی چون میرحیدر آملی و ملاعی نوری و حاجی اشرفی و شیخ زین العابدین بارفروشی و غیره که همه از بزرگان عصر و علمای جلیل بودمانند از نظر قدرشناسان ایران محو نکنند در کدام عصر شرف تاریخی مازندران کمتر از سایر بلاد ایران بوده سوم آنکه چون از ظهور تازه سخن میراندید چرا از راه کشان عبور نفرمودید و مستبدین کاشانرا که همه جا بشیخ هم سفر بودند زینت روزنامه خود قرار ندادید و حال آنکه ایشانند که همه روز طرخی تازه میریزند و پرده (ترازدی) توپخانه و (کومدی) مدرسه سرور را سبب میشوند پس ای مرد حق کوی (تا که از خود تکذری از دیگران توان گذشت)

(خادم وطن مخلص قدیمی)

جلالتین

از آنچه در نمرات سابق بیان فساد شیخ و اتباعش شده بود و از اهل مازندران بواسطه القاء تفاق و اختلاف که شکوه نموده بودیم خاطر بعضی از محترمین اناسمان رنمید که چرا نباید از عموم مازندران توهین شود - نمیدانیم در واقع خیال غرضی از این اظهار شکایت دارند یا آنکه خدمت ایشان اشتباه شده - زیرا که اولاً ما عرض کردیم حکم کلی نمیتوان داد ثانیاً در اینگونه موارد که بیان خیانت و خبیثیت بدانت نیکان بیداهه عقل از ما سخن فیه مستنی و خارجند ولو قضیه بحکم کخی بیان شود و بچیزی مقید نباشد جای شبه و محل اعتراض نیست موضوع ربطی به نیکان ندارد که دلگیر شوند - اگر از شخصی بواسطه اعمال قبیحه و شرارتش ذکر شود و برادر صلی و بطینش صاحب اخلاق حمیده و دارای صفات محموده باشد از موضوع خارجست مناسب ندارد که رنجش حاصل کند تاجه رسد باینکه از مفسدين ولائین تکذیب شود و دیگران برای اینکه اهل اولایتند بمقام معارضه برآیند سخن ما در مفسدين و مخربین ملک و ملت بوده غیره - از مازندران گذشته از حکما و علمای سابق چون میر فندرسکی و شیخ طبری و غیره و رحمهم الله که همه از بزرگان دین و رؤسای مذهب بودند کانی هستند که امروز دارای مقامات عالی و مملکت قاضیه میباشند و همه قسم در همراهی نوع و تقویت مسلمین سعی و جاهدند خاصه وجود مبارک بندگان حضرت حجج الاسلام ایات الله آقای آخوند ملا عبدالله مازندران که از وجود بزرگان دین واجه پیشوایان مسلمینند و همواره در رفع ظلم و اناغه مظلوم نهایت جدو جهد را دارند و همچنین سایر اخبار از طلاب

هیچ اسباب خفت و موجب کدورت نمیشود بلکه مردانه در پی رفع عیوب و نواقص خود بر میآیند — ولی بدبخت ما که اگر از خیانت فلان امیر دم زنییم و از عدم همراهی فلان وزیر شکوه کنیم کان میرند که مارا با ایشان عداوت ذاتی و خصومت شخصی است کمر قتل مارا می بندند ملحدمان میخوانند روز نامه نکار را پیسواد و بی اطلاع میدانند روز نامه فارسی را قابل مطالبه نمیشمارند میگویند روزنامه نویسان ما جز عیب جوئی چیز دیگر بلد نیستند ابدا ملاحظه انصاف و درستی را نمیکند هیچ نمیگویند این کیسه این عیبرا در حق ما نوشته غرض شخصی با ما ندارد از فلان صفت زشت ما بد گفته اگر ما ترک این صفات رذیله را بنمائیم هم بحال دولت و ملت نافع است و هم برای خودمان خیر دنیا و آخرت دارد مقبول دولت و ملت میشویم و همه خلق مارا بزرگ و محترم می شمارند خلاصه غرض و هوای نفس نمیگذارد که ما بزرگانمان بشکر این چیزها باشیم و در صدد اصلاح معایب بر آئیم نمیگویم روزنامه نویسانمان تمام خالی از غرض و بدون مرض و درست نویسند ولی روزنامه خوانان الحق بیشتر بمرض بی انصافی مبتلایند خداوند بهمه توفیق خیر کرامت فرماید معهدا از عموم محترمین و وطن خواهان آنسامان خصوص از صاحب مکتوب که بواسطه عدم کنجایش صفحات خلاصه مکتوبش را درج کردیم و از اعضای محترم انجمن طبرستان معذرت می خواهیم و خواهشمندیم در عرایض ما بطور محبت و صفا نگرسته حل بر عدم مروت و وفا قمرمایند ما فرقی بین اهالی بلاد نمیدیم و تمامرا فرزند یکوطن و ابناء یکخانک و برادر یکدیگر میدانیم و همیشه اتحاد می و یکانگی قومرا از ایشان تمنا داریم

(خلاصه مذاکرات دارالشوری یکشنبه سلخ ذیقعدہ)

تلگرافی از رؤسای ایل بختیاری قرائت شد که تنصیل شورش و انقلاب گوشزد تمام اهالی ایران شده ما که سالهاست خدمتگذار بوده و منتظر این نعمه عظمی و مشروطیة بوده ایم حال جان برکف دست منتظر اوامر مقدسه هستیم در همه جا اغتشاش است مگر چهارمحال و بختیاری که بما سپرده است کمال امنیة حاصل است و هر وقت امر بنمایند ده هزار سوار و پیاده حاضریم و جناب شجاع السلطان و بهادرالدوله که در طهران هستند همه قسم وکالت دارند هر طور که صلاح دیدند اطلاع داده شود در باب انتخاب وکیل هم دوتنر وکیل که باید از ایل بختیاری انتخاب شوند بتوسط جنابان معظمان اطلاع داده شود تا از خانواده و طایفه خود انتخاب کرده روانه داریم اظهار شد که کمال تشکر و امتنان را از همراهی ایشان داریم ولی حق دوتنر وکیل نمیشود یک ایل داد گفته شد چون

علوم دینی و محدثین و امرا و تجار و رعایا که ازان خاکند اینگونه وجودهای پاک بکلی از زمینه صحبت خارجند ربطی بموضوع ندارد علاوه ما خودمان باغلبی از اخبار و آقایان مازندرانی رابطه دو سنی و آشنائی داریم هیچکدام در مقام کله بر نیامدند — خداوند دیده انصاف و ضمیر صاف عنایه فرماید که در مطالب بطور درستی غور نمائیم و بدون هیچ دلیل حمل بر غرض نکنیم زیرا وقتیکه پای غرض بمیان آمد هر قدری گذاشته و هر کله نکاشته شود صد گونه محمل و پیرایه میتوان باو بست کیرم روزنامه نویسن ترجمه قائم الکتابرا قوشت خواننده مغرض وقتیکه رسید بمعنی غیر المغضوب میگوید حکما در اینجا کنایه بمن است یا بموم خانواده ممت کینه بدل میگیرد بدکوتی میکند مدعی شرف میشود هیچ نمیگوید آخر این بچاره بامن چه خصومتی دارد اسم مرا کجا شنیده چنانکه چند روز قبل یکی از آقایان سادات شیرازی باداره آمدند که فلان مطلب روز نامه شما بشرف طایفگی ما پر خورده و حال آنکه در سلسله ما کسائی هستند که در حمایت دین و وطن خواهی و همراهی با مجلس مقدس همه قسم حاضر بوده و هستند چرا باید از ایشان توهین شود خدمتشان عرض کردیم که هر خانواده خوب و بد دارد و شکایتی که شده از بدانت انهم در چند نفر معدود که خود و همه میدانید ربطی بنخوبان ندارد خوبان همه وقت خوبند هیچ کس نمیتواند آنها را بد بگوید — باری تا چشم غرض بینی را نه بنسیم و در پی علاج مرض بر نیائیم و نتیجه از حرف و بخش پیدا کنیم هیچ کار ما از حزئی و کلی اصلاح نخواهد یافت روزنامه وقتی اثر میکند و ملتا از خواب بیدار و بکار وادار میکند که بدیده پاک و ضمیر تانک بنخوئیم ودقت کنیم و بسبب حمل بر عداوت و غیره تمامیم — اگر در جائی عیب جوئی کند یا از کسی بواسطه فلان عادت زشت بدکوتی نماید بدون تحقیق کان غرض نبریم و اگر بود مان راجع است کینه اشرا بدل نکریم بلکه در صدد رفع عیوبات بر آئیم و نواقص را اصلاح کنیم — تمام ترقیات دول مترقیه از برکت عیب جوئی شد و بس هر عیبی را که گفتند و شنفتند کمر عداوت و کینه جوئی نه بستند فوری در صدد علاج و اصلاح بر آمدند و لو هر که گفت و در حق هر که نوشت (ولتر) و (میر آبو) معجزه نداشتند خارق عادت نمیکردند که اینهمه در ملت فرانسه بیزکی و احترام ذکر میشوند فقط کارشان عیب جوئی و بدکوتی از بدان بود و هنرشان همین بود که عیوباترا می گفتند و اصلاح میکردند تا کارشان بجائی کشید که مملکتشرا مهد تمدن و حوزه انسانیت گفتند و ملتشان از حیث کسب شرف و سعادت فخر بر ملل عالم میکنند . الان هم تمام ملل متمدنه عیوبات سابقه بلکه لاحقه خود را می گویند و بواسطه قیاسها بیومی و بیگانه بدون پروا میمایانند

خدمت بشورای ملی و خدمت کذاری بوکلا و اعضای
مفخم نهایت امتنان حاصل نمودیم روی همه شماها قید
و مادامیکه آن برادران عزیز طهران هستند این شیوه
حسنه را نباید از دست داده خادم حقیقی شورای ملی باشید
از طرف خاتمه و کسان خودتان من حیث المجموع آسوده و
مطمئن باشید از حضرت تاجل آقای امیر نظام دامت شوکت
و مساعدتی که فرموده اند نهایت تشکر را داریم انجمن ایالتی
آذربایجان

— (تلکراف از سراب — طهران) —

خدمت جناب مستطاب مدیر محترم روز نامه جبل المتین
دامه نایبانه چهار ماه است که نواب اشرف والا شاهزاده عماد
السلطنه بحکومت شقایق منصوب شده اند آنچه اقتضاء
طینة و صفای نیش که رفاهیت و آسودگی مردم است در
این مدت بعالم ظهور آورده ولایت و اطراف و غیره تحت
نظام و قانون نبود هشت ماه قبل از این کمال بینظمی
و انقلاب بود و ملة رضایت نداشتند همه اغتشاشات را رفع
نموده حسب الامر ایالة جلیله و انجمن مقدس تبریز بانواع
زحمات متحمل شده انجمن ولایتی را از روی نظامنامه
انتخاب نمودند (کریدند ملة زاهد و وطن . کسانی ستوده
بهر انجمن) کلمه شقایق از توجه حکومت جلیله و اعضاء
انجمن ولایتی در کمال درجه مرتب و منظم است و عموم
ملة متشکر هستند الحق وجود اینگونه شخصی که طینت
مشروطه و از صفا شمر شده معلوم است (یک دهن خواهم
به پنهان فلک . تا بگویم مدح آن رشک ملک) استدعا
اینکه همین تلکراف را در روز نامه مبارکه درج بفرمایید
(انجمن ملی سراب)

(تلکراف از ملایر به طهران)

خدمت جناب مستطاب قانی ناظم العلماء دامت برکاته
دو سال قبل آزادی طلبی تمام ایران این فدائی نخود را از قید
رقبت خارج نموده با تمام بستگان یعنی سه ولایت جان و مال در راه
ملت نثار دارم فرمای خدمتی که بر آید ز دست ما — محسن
(خلاصه شکایت یکی از ساکنین اتزلی)

پس از آنکه نعمت مشروطیت شامل حال اهالی مملکت
شدملت کیلوان من محال شاهرود خلخال که قریب دوست
خانوار از شدت ظلم سید اسدالله کیلوانی و میرزا احمد خاقتاهی
متواری و فراری بودند بمنزل بنده آمده کلام الله مجید را آورده
قسم در همراهی مشروطیت خواستن نمودند فدوی نیز قسم یاد
کرده و مبلغانی هم در راه وطن متحمل مخارج کشتم در این بین
اعلانی از انجمن تبریز سر راه خلخال فرستادند که رعایا چهل و یک
خرمن جلق و شیرینی زفاف بملایو مباشرت دهند چون سالهاست
سید اسدالله با طایفه شاطرانلو و فولادلو سمت اتحاد دارند دو
خفیه با آنها نوشته عصر ۱۴ رجب علی الففله شکور خان نصره

ایل بختاری دو طایفه بزرگ میباشند و بملاحظات دیگر حق
دو نفر وکیل دارند بعضی اظهار داشتند که یک نفر از
ایشان در انجمن ولایتی برود و یک نفر بمجلس شورای ملی
صورت رانی از کیسیون انتخابات در باب انتخاب
وکلا ایلات قرنت شد که هر ایل بالز بی هزار نفر
یا بیشتر است یک نفر وکیل حق دارد انتخاب نماید هر گاه
این ایل یک طایفه باشد یک نفر را با کثرت اراء انتخاب کرده
بامضاء حکومت و رئیس ایل روانه مبدارند و هر گاه طوایف
مختلفه باشند هر یک با کثرت اراء یک نفر را انتخاب کرده
اوقت در حضور حاکم و رئیس ایل بحکم قرعه در آن
میان یکی را معین کرده بامضاء میفرستند در این خصوص
مذاکرات زیاد شد که آیا این صورت رای کیسیون صحیح
است یا نه بعد از مذاکرات زیاد قرار شد در مجلس دیگر
قرار قاطعی در این خصوص بدهند و قرار شد که یک
جواب مثبتی بر اظهار امتنان و تشکر بر رؤسای ایل بختاری
داده شود و بعد ترتیب انتخاب وکیل را اطلاع بدهند

در خصوص باقی مانده وکلای طهران مذاکره شد
که ده نفر را مجلس باید انتخاب کند بعد از مذاکرات
قرار شد که صورت نوشته اسامی اشخاص صحیحی که باید انتخاب
کنند معلوم شود و روز پنجشنبه آنها را انتخاب نمایند
اظهار شد باینکه پرروز اجالی از بولتیک دولت علیه
را اظهار داشته و از همراهی دولت متحابه تشکر و امتنان نموده
چنانچه از آثار همراهی نمایند کان دول دیروز در مجلس
قرائت شد ولی متاسفانه دولت هم جواری اذن و تصویب
وزیر امور خارجه می و دو نفر قزاق با سم مستحفظی قونسل خانه
در آذربایجان وارد کرده و یک عده عسکر هم در سرحد جلفای
روس و ازین طرف دولت انگلیس هم بیست و دو نفر سوار
هندی از طرف اهواز وارد نموده گفته شد که باید وزیر امور
خارجه بیاید در این خصوص توضیحات بدهند گفته شد که ملة
ازان همراهی که از نمایندگان دول متحابه شده حسن ظنی
پیدا کردند و از این مسئله سوظنی حاصل خواهند کرد
ولی انشاء الله بعد از توضیحات وزیر امور خارجه این سوظن
مبدل بحسن ظن خواهد شد در این موقع جناب علاء الدوله
و جناب حاجی معین الدوله بمجلس آمده در حالیکه از عموم
ملت آثار بشاشت و خرمی فوق العاده ظاهر و کلا عموماً از
حسن نیت و امتحانات و همراهی ایشان باملة خیل اظهار تشکر
و امتنان نمودند (مجلس ختم شد)

(تلکراف از تبریز — به طهران)

بتوسط وکلای محترم آذربایجان دامت نایبانه صاحب
منصبان محترم واحد و افراد سر بازان غیور فوج پنجم
شقایق و فوج هفتم شقایق از اقدامات غیورانه آن برادران
محترم که فطری و طبیعی تمام آذر بایجانی هاست در تقدیم

خیانت نکرده قابل مرحمت دولتی نخواهد بود اما بانه در صورتیکه بتصرف ایران بیاید باز محمدخان ورسم بك صاحب همه امتیازات خواهند بود (بهادر السلطه)

(خلاصه مکتوب خوی)

از مقالات روزنامجات ایران از طرف عموم ملت تشکر و امتنان داریم که خفکان بستر غفلة را بیدار و از حقوق خود خیر دار می نمایند الحمد لله این صفیات امن لشکر شتاء متهاجم افواج بر فرا چون فرقه مستبدین در فضای هوا حلاجی میکند دو هفته قبل یکصد جلد قانون اساسی بانجمن رسیده خینی مستحسن افتاد و متمم آن قانون کلی ادارانت اگر چه مأمور اجرا معین نشده از قته انگریزی مستبدین در بعضی نقاط کمال تأسف است دار الشوری کبری اگر فی الجمله در هر یکی از نقاط قوه جبریه اقامه مینمود هر کر این فسادات داخله دست نمیداد تجاوزات عثمانی هم داخل در همین مطلب است از دولت عثمانی هر کر این بی مبالاتی را منتظر نبودیم در این حال که جلب اتحاد معنوی میان کلیه فرق اسلام لازمست از سر حد ارومی و از طرف بغداد ظهور این تجاوزات سوء تأثیری خواهد بخشید نتیجه معاهدات روس و انگلیس اگر چه در ظاهر راجع بایرانست ولی معنأ راجع بعموم ملک اسلام است عاقبة این کاسه سر عثمانی خواهد شکست سیاست دولة ایران همیشه صلح و سلم است این هفته خبر جرح و تعدیل مالیه رسید افراد ملة عموم بصدای زنده باد دولة و ملة ایران و پاینده باد مشروطية بلند آوازه شدند مقالاتی در تشکیل بانک ملی فرموده اند که موقوف بجمع طلا و تفره است عموم ملة در صدد تسلیم و دایر شدن بانک حاضرند چنانکه حاجی حسن آقای تاجر وطن دوست هر قدر طلا و تفره داشت بیمان آورد و گفت شاهد باشید اول کییکه در این امر خیر پیشقدمی نموده منم لهذا عموم اهالی حاضرند که اگر اداره بانک شعبه قرار دهد اسهام بلیت وارد نموده طلا و تفره آتارا تسلیم دارند زیاده از بجاه من طلا و صدمن تفره از ولایت خوی جمع خواهد شد

اعلان

(خدمت عموم خادمان مشروطية)

فخر الاسلام اردبیلی که در منابر و مساجد اردبیل بصد مشروطية و مجلس مقدس عنوانات می نمود و مرد مرا اغوا می کرد حال از طرف مستبدین و محترکین آنجا بههران آمده سبجات جمعی بنام علمای نامی انولایت آورده نوشته جات و حالات او لازم المداقه است (خادم وطن حاج علی اصغر باقر اوف تبریزی

(حسن الحسینی الکاشانی)

لغزور و شیدالملك و پسر سالار فیروز با سید و بجاه سوار وارد قریه کیلوان و عیت اهل و عیال را داشته و رو بجهت فرار کردند سوارهایک شب در خنهای ما قامت کرده تمام اثاث الیت رعایا و اباغنام و احشام غارت نمودند قراء مفصله ذیلرا نیز جاییده اند ماجلان ، کدم آب ، باه کوه ، کهل ، صومعه بر ، طهارم کلوران ، تیل ، دیز ، کرین ، جعفر آباد

(ای مردگار ز خاک یکی سر بدر کنید)

(و بحال بدتر از خود نظر کنید) صالح

(خلاصه مکتوب کردستان)

(ای تو چه نیک و اسلله داده خواه را)

(واقف کنی ز حال کدا پادشا در)

خاطر شریف آگاه است که هر چیز در جای خود پسندیده است خداوند بشما توفیق دهد ما بحاره و خونین جگر زیاد شما یکتفر باز ید بیضای جنا بعالی است که درد هر کس را بموقع بیان میکند عرض کردم بعد از رسیدن جواب از طرف محمد فاضل پاشای فریق برای محمد خان شرف الملك حاکم بانه رئیس کمرك را بیرون کرده بسفر رفت محمد خان هم بانه ها را نزد پاشا برد و آنها را تذکره تبیت داده در پیستم رمضان ده تفر عسکر از طرف پاشا به بانه آمده کارو نسرای تاجر نشین و چند خانه رعیتی را برای عسکر عثمانی خالی کرده عره شوال مژده رسید عسکر بمحمد خان ورسم بك رسیده محمد خان قهرا و بانه ها را باستقبال تالیکترسخی برده و باشکوه ایثارا وارد نمود علما و مدرسین و خطیرا حاضر نموده حکم کردند که خطیب خطبه غرائی بنام سلطان عثمانی خوانده و پادشاه ولی نعمت خود را تفرین کنند بیست و در روز قبل وقوع این وقایع را با اداره عرض نموده بودم و کتابچه هشت ورتی را در غره رمضان در تسلية بانه بخاک پای همایونی عرض کردم خلاصه عمل بانه تمام شد و بتصرف عثمانی رفت حالا محمد خان ورسم بك مشغول تصرف سقر هستند تار رسیدن این کاغذ کانم آنکه ایالة کردستان ختم عمل انبارا بوزارت داخله اطلاع دهد و باتیکو و خرخره و مریوان هم در مذاکره هستند تا حال آنچه شنیده بودیم متنازع فیه دولتین ایران و عثمانی وزنه بود از انجا تا بانه بیست فرسخ است چرا اینهارا متصرف شدند معلوم است تا قراری در کمیون داده شود بیست فرسخ هم در طول متصرف میشوند ارومیه هم حالش معلوم است عثمانی ها شجاع و دلیر نیستند ماده از طرف خودمان مستعد و حاضر تسلیم است کییکه در این هیاهو غیرت کرد خضر آقا رئیس عشایر کورک بود برادرزاده و بی عیاش بدون اجازت و بطرف سردشت رفتند شبانه دو تفر نوکر خود را فرستاده هر دورا کشتند و این بی غیرتیرا بر خود هموار نکرد ولی افسوس که خضر آقا چون